



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرأیا  
علیها یصی

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# درمکتب اهل بیت

واقعه غدیر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# واقعہ غدیر

نویسنده:

ایوب حائری

ناشر چاپی:

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	واقعه غدیر
۶	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۵	سخن مجمع
۱۹	مقدمه
۲۷	پیشگفتار
۳۷	بحث اول: واقعه غدیر
۴۷	بحث دوم: عید غدیر در تاریخ اسلامی
۵۲	بحث سوم: تواتر حدیث غدیر
۵۲	اول: اعتراف علمای مذاهب مختلف به تواتر حدیث غدیر
۵۴	دوم: جمعی از بزرگان محدثین، حدیث غدیر از طرق بسیاری نقل کرده اند که برخی از آنان عبارتند از:
۵۵	سوم: احتجاج صحابه و تابعین به حدیث غدیر
۵۸	بحث چهارم: تأویل ناپذیری حدیث غدیر
۶۱	درباره مرکز

سرشناسه: حائری، ایوب، ۱۳۴۴ -

عنوان قراردادی: الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب. فرانسه

عنوان و نام پدیدآور: واقعہ غدیر [کتاب] / گروه پژوهش و پاسخ به شبہات، ایوب حائری؛ ترجمہ حسین علی عربی؛ تہیہ کنندہ ادارہ ترجمہ معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اہل بیت (ع)]؛ ویراستاری امرا... نصیری.

مشخصات نشر: قم: مجمع جهانی اہل بیت (ع)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۳.

مشخصات ظاہری: ۵۳ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

فروست: در مکتب اہل بیت علیہم السلام؛ ۴۱.

شابک: دورہ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۲۷۰-۴؛ ۹۷۸-۹۶۴-۵۲۹-۳۱۱-۴

یادداشت: کتابنامہ بہ صورت زیر نویس.

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از ہجرت - ۴۰ ق -- اثبات خلافت -- احادیث اہل سنت

موضوع: غدیر خم

موضوع: غدیر خم -- احادیث

موضوع: احادیث اہل سنت -- قرن ۱۴

شناسہ افزودہ: عربی، حسینعلی، ۱۳۴۹ -، مترجم

شناسہ افزودہ: نصیری، امراللہ، ویراستار

شناسہ افزودہ: مجمع جهانی اہل بیت (ع). ادارہ ترجمہ

شناسہ افزودہ: مجمع جهانی اہل بیت (ع)

ردہ بندی کنگرہ: BP۲۲۳/۵/ح ۲ غ ۴۱ ۴۰۴۱ ۱۳۹۳

ردہ بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۲۸۵۸۲

ص: ۱

**اشاره**





بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٣



واقعہ غدیر

گروه پژوهش و پاسخ به شبهات، ایوب حائری

ترجمہ حسین علی عربی

تہیہ کنندہ ادارہ ترجمہ معاونت فرهنگی [مجمع جهانی اہل بیت (ع)]

ویراستاری امرا... نصیری

ص: ۵







«کار اساسی شما [مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)]... معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السلام) است به دنیای اسلام. بلکه به سراسر عالم، چون امروز همه دنیا تشنه معنویت اند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معرفی می کند به نحو جامع و کاملی وجود دارد».

(از بیانات مقام معظم رهبری «مد ظله العالی»، ۱۳۸۶/۵/۲۸)

مکتب اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) که تبلور اسلام ناب محمدی (علیهما السلام) و متکی بر منبع وحیانی است، معارف ژرف و عمیقی دارد که از اتقان، استحکام و برهان برخوردار می باشد و مطابق با فطرت سلیم انسان هاست؛ بر همین اساس است که حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

«فإنَّ الناس لو علموا محاسن كلامنا لا تبعونا» [شیخ صدوق (رحمه الله)، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۲: ۲۷۵]. این مکتب غنی و نورانی در پرتو عنایات الهی و هدایت ائمه ی اطهار (علیه السلام) و نیز مجاهدت هزاران جهادگر عرصه های علم و فرهنگ در طول قرون گذشته و حال، بسط و گسترش یافته است.

پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (قدس سره) و تأسیس نظام اسلامی با تکیه بر قوانین اسلامی و با محوریت ولایت فقیه، افق های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جدیدی را برای انسان های آزاده به ویژه مسلمانان و پیروان و محبان اهل بیت (علیهم السلام)

گشود و توجه بسیاری از نخبگان و مستضعفان جهان را به خود معطوف کرد.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، مولود این دگرگونی مبارک است که به ابتکار مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مد ظله العالی) در سال ۱۳۶۹ شمسی / ۱۹۹۰ میلادی تأسیس شد و تاکنون خدمات شایانی را در تبلیغ معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) و حمایت از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان انجام داده است.

معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) در راستای رسالت خود جهت ارتقای شناخت و آگاهی پیروان اهل بیت (علیهم السلام) در موضوعات، سطوح، مخاطبان و عرصه های مختلف، در حوزه های تولید کتاب و مجلات به زبان های متعدد و سائر محصولات فرهنگی به فعالیت پرداخته است.

این اثر با هدف معرفی معارف اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخ به شبهات مخالفین به ویژه وهابیان و سلفی ها تهیه شده و حاصل تلاش علمی و پژوهشی گروهی از پژوهشگران و نویسندگان فرهیخته و صاحب نظر و ارجمند می باشد.

در اینجا بر خود لازم می دانم از دبیر کل محترم مجمع، حضرات اعضای محترم شورای کتاب، مدیران محترم اداره کل پژوهش و ترجمه، رئیس محترم گروه مطالعات بنیادی، دبیر محترم شورای



کتاب و گروه مطالعات بنیادی، مترجمین عزیز و همکاران اداره ی ترجمه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از برادرانی که در ویرایش، تایپ، مقابله، تصحیح، آماده سازی، نشر و چاپ این کتاب تلاش کردند، تشکر می کنم و توفیق همگان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

معاونت امور فرهنگی مجمع در راستای تعمیق و پویایی آثار منتشره در حوزه ی معارف اهل بیت (علیهم السلام) در سراسر جهان، از دیدگاه ها و پیشنهادهای اساتید، فرهیخته گان، صاحب نظران و پژوهش گران ارجمند استقبال می کند تا زمینه های بسط و گسترش هرچه بیشتر معارف اهل بیت (علیهم السلام) فراهم گردد.

به امید تعجیل در ظهور و فرج منجی عالم بشریت حضرت مهدی (عج).

نجف لک زایی

معاون امور فرهنگی

ص: ۱۱



وحدت، همبستگی، اتحاد و انسجام، از اصول عقلانی و برخاسته از اعماق سرشت انسانی است؛ هم چنان که یک اصل ثابت، مسلم و همیشگی دین مقدس اسلام نیز بوده و هست و تحقق آرمان های آفرینش و نیل به اهداف عالی آن در این راستا قابل دسترسی است و قطعاً هیچ قوم و آحاد جامعه ای، در جنگ و فتنه، نزاع و تفرقه، به خیر و سعادت و کمال انسانی، نخواهد رسید.

امام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بَفُرْقِهِ خَيْرًا مِّمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ. (۱)

«خداوند سبحان، نه به گذشتگان و نه به آیندگان، با تفرقه و جدایی خیری را عطا نکرده و نمی کند».

در سایه وحدت و یک دلی است که جامعه به آرمان ها و پله های ترقی، گام نهاده و زیباترین استحکامات را بر سرتاسر جامعه حاکم می کند و محبت و صمیمیت و صلح و صفا را می گستراند.

از این رو، می بینیم قرآن کریم با لحن محکم و با هدف هدایت، چنین می فرماید:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (۲)

ص: ۱۳

۱- (۱) - نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶.

۲- (۲) - آل عمران: ۱۰۳.

«همه با هم، به حبل الله چنگ زنید و پراکنده نشوید و یاد بیاورید آن زمانی را که با هم دشمنی می کردید. پس خداوند دل های شما را به هم نزدیک کرد و الفت و برادری بر شما حاکم نمود و (نیز) یاد بیاورید آن زمانی را که شما، در لبه پرتگاه آتش قرار داشتید، پس خداوند شما را از آن نجات داد و خداوند این چنین آیات خود را تبیین می کند، شاید به هدایت دست یابید».

و نیز پیامبر اکرم؛ حضرت محمد بن عبدالله (علیهما السلام) می فرماید:

«المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً». (۱)

«نسبت فرد با ایمان با مؤمن دیگر، همانند اجزای یک ساختمانند که هر جزئی از ساختمان، جزء دیگر را نگه داشته و محکم می نماید».

و نیز حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) می فرماید:

«المؤمن أخو المؤمن، كالجسد الواحد، إن اشتكى شيئاً منه وجد ألم ذلك في سائر جسده». (۲)

«مؤمن برادر مؤمن است، مانند آنکه یک جسد می باشند؛ اگر عضوی از آن به درد آید، درد و رنج آن به دیگر اعضا خواهد رسید».

بنابر این تفرقه، کینه توزی، نزاع و خون ریزی، هرگز مشروعیت و مصونیت نداشته و از کبائر و زشتی هاست که وجدان و عقل سلیم، آن را بی اساس و بی فرهنگی معرفی کرده و در دین اسلام هم شدیداً مورد نکوهش و توبیخ قرار گرفته و مرتکب آن را به عذاب الهی، وعده داده است.

جهالت جاهلان و دسیسه دسیسه گران و فتنه انگیزان، در طول تاریخ مسلمین، کوشیده است که وحدت صفوف و یک پارچگی مسلمین، به جنگ و

ص: ۱۴

---

۱- (۱) - اصول کافی ۱۶۶/۲؛ نهج الفصاحه: ۷۷۹؛ کنز العمال: ۱۴۱/۱.

۲- (۲) - بحار الأنوار: ۱۴۸/۶۱.

خون ریزی تبدیل شده و کینه و بغض و بد بینی و اِتهام به خروج از دین و ورود در شرک را گسترش دهد. بنابراین بر مسؤلان و رهبران امت و بر آحاد جامعه اسلامی، فرض و حتم است که اجازه ندهند چنین فضائی بر جامعه اسلامی حاکم گردد و در نتیجه ذخائر و ثروت های امت اسلام، توسط مستکبران روزگار و کافران خوش رنگ و نگار و صاحبان تراست ها و کارتل ها به راحتی و سهولت، غارت شود.

ما پیروان اهل بیت (علیهم السلام)، بر خود لازم می دانیم جهت وحدت بیشتر مسلمین و زدودن موانع این اتفاق و انسجام، نسبت های ناروائی که در طول تاریخ، به ویژه در این سال های اخیر، به مکتب اهل بیت (علیهم السلام) و به صورت ناجوانمردانه نسبت داده شده، از خود دور کنیم و با تمام وجود، از این تهمت ها و نسبت ها توسط تکفیری ها و جریاناتی که آلت دست انگلیسی ها، صهونیست ها، و غارتگران امریکا و ... هستند، اعلان انزجار و تبری بجویم.

از باب نمونه:

۱ - ما که کتاب آسمانی مصون از تحریف، یعنی قرآن کریم را تنها کتاب همه مسلمین و بدون آن که کم و زیاد شده باشد و عیناً، همان قرآن کریم حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی (علیهما السلام) و ثقل اکبر و سرتاسر آن را داعی توحید و یکتاپرستی می دانیم؟

- ما که بزرگ ترین موفقیت پیامبر اکرم (علیهما السلام) را نفی بتها (اصنام) و نفی عبادت لات و عزری و اعلان و تحقق کلمه توحید «لا اله الا الله» می دانیم؟

- ما که خطبه های غزای توحیدی مولی الموحدين امیر المؤمنین (علیه السلام) را - شبانه روز - در مراکز آموزشی و پژوهشی، دانشگاه ها و حوزه ها و محافل علمی و تربیتی مان به تلاوت و تدریس و استضاءه می نشینیم؟

ص: ۱۵

- ما که در مساجد و مراکز عبادتی مان ، متون سراسر توحید اهل بیت پیامبر(علیهما السلام) را همانند دعای کمیل از امام علی(علیه السلام)، دعای عرفه از امام حسین(علیه السلام) و دعای ابو حمزه ثمالی از امام سجاد(علیه السلام) و ده ها دعای توحیدی دیگر تلاوت می شود و طنین انداز است:

«... متی غَبَّتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ... عَمِيْتُ عَيْنٌ لَا تَرَكَ... مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الْمَدَى فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ...».

(۱)

- ما که هزاران اثر معرفتی و توحیدی همچون کتاب توحید شیخ اقدم «صدوق» را داریم، ما که ...

با همه این اوصاف، به صورت جاهلانه و مزورانه و مزدورانه به هدف بدبین کردن سایر مسلمین ناجوانمردانه به شرک متهم شده و می شویم!!! (فما لهم کیف یحکمون)!!؟!!

۲ - اعتقاد به امام مهدی(علیه السلام) و مهدویت، ریشه قرآنی دارد و مذاهب و فرق اسلامی - روی هم رفته - به آن اعتراف دارند تا جائی که انکار آن را موجب قتل منکر آن دانسته اند. (۲)

و نیز جایگاه رفیعی از سنت و معرفت اسلامی را برای آن حضرت ذکر کرده اند و قاطبه علمای اهل بیت(علیهم السلام) و بسیاری از علمای مذاهب اسلامی، روایات و احادیث و اخباری که در شأن و ولادت آن حضرت است، مورد تصریح و تصحیح و اعتراف قرار داده اند؛ مانند صاحب سنن ترمذی، قرطبی مالکی، ابوجعفر عقیلی، سیوطی، ابن حجر عسقلانی، حاکم نیشابوری، بیهقی، ابن اثیر، بغوی، ابن قیم، ذهبی، تفتازانی، ابن کثیر دمشقی، جزری شافعی، عبدالوهاب شعرانی، متقی هندی، عبدالباقی زرقانی، سفارینی حنبلی، محمد امین

ص: ۱۶

---

۱- (۱) - بحار الأنوار: ۲۲۶/۹۵ (بخشی از دعای عرفه).

۲- (۲) - همانند ابن حجر هیتمی شافعی، شیخ صبای حنفی، خطابی مالکی، یحیی حنبلی و...

سویدی، شوکانی، مؤمن شبلنجی، قنوجی بخاری، کتانی مالکی، خضر مصری، غماری شافعی، ناصر الدین البانی، ابواعلی مودودی، کمال الدین ابن طلحه شافعی، یاقوت حموی، ابو نعیم اصفهانی، ابن جوزی حنبلی، گنجی شافعی، جوینی شافعی، ابن علی شافعی همدانی، حمد الله مستوفی، ابن شحنة حلبی حنفی، خواجه پارسا حنفی، ابن صبّاغ مالکی، سراج رفاعی، ابن طولون دمشقی، ابو عیّاس قرمانی حنفی، ابن عامر شیراوی، سباط قاضی حنفی، قندوزی حنفی، حمزوی شافعی مصری، زرکلی سلفی، یونس سامرای، احمد طوسی بلاذری، ابن شاکر بدری شافعی، عبدالکریم یمانی، صبان شافعی، ابن عماد دمشقی حنبلی و غیر اینان... .

حال نگاه بیندازید و ببینید:

امام مهدی(علیه السلام) و مهدویّت - که در کتاب و سنّت، محکم ترین ریشه و اساس و برهان و این همه معترف به تواتر و صحت و ولادت و حیات از جمیع فرق اسلامی دارد- چگونه با زشت ترین تعبیرها مورد استهزاء و تمسخر و افتراء و نسبت های ناروا قرار گرفته است؟!.

از این عصاره انبیاء و خلف اوصیا، گاهی به «امام مزعوم» و گاهی به «معدوم» و ... تعبیر می شود!! و گاهی می نویسند که شیعیان کنار سرداب حله یا سرداب بغداد، یا سرداب سامرا (1) و یا ... مرکبی را آماده می کنند تا آن که او وقتی که از آن سرداب خارج شد، سوار آن مرکب شود!. اینان هنگام نماز هم، هم چنان در کنار مرکب باقی می مانند، زیرا ممکن است که در همان وقت از سرداب خارج شود و کسی کنار مرکب نباشد تا او را سوار کنند!!.

ص: ۱۷

وارونه نشان دادن حقایق، تحریف و سیاه‌نمایی در زمینه اعتقادات و معارف حقه اهل بیت (علیهم السلام) توسط دشمنان و بقاء بر میت‌های آکله‌الاکباد و آنان که گوینده «لا اله الا الله و محمد رسول الله» و معتقدان معاد و محشر و اهل قبله و قرآن را همانند گوسفند سر می‌برند و جهت جلب رضایت سردمداران کفر و غاصبان قدس، همه‌گونه خوش‌خدمتی دارند و در تمام دوران ننگین رژیم جعلی و سفاک صهیونیستی، در حمایت از مظلومین فلسطین، و مقدسات مسلمین حتی یک فشنگ و یا تیری رها نکرده‌اند، اما هر روز شاهد آنیم که دسته‌دسته اهل قبله و توحید و بعثت و معاد را با کمال شقاوت و بی‌رحمی، قطعه‌قطعه و به آتش می‌کشند و فتنه و تفرقه را بین امت اسلام می‌گسترانند.

لازم به تذکر است: این دو مورد به عنوان نمونه بود و گرنه مسلمانان هر روزه شاهد نشر و بسط صدها مورد دیگر با هزاران سایت و کتاب و مقالات و نرم‌افزار، توسط این مجموعه فاقد عاطفه و رحم و متحجر و تکفیری با هدف شوم تفرقه‌افکنی و جنگ و جدال در امت اسلامی می‌باشند، فالی الله المشتکی.

در هر صورت، ما به عنوان این که به حفظ وحدت مسلمین و قطع ید اجانب از بلاد اسلامی و زدودن اتهامات و افتراءات از مکتب اسلام و معارف اهل بیت (علیهم السلام) مکلفیم، بر خود واجب می‌دانیم جهت زایل کردن بدبینی از ذهنیتی که اینان در بین عموم مسلمین با دروغ، نفاق، افتراء و بهتان ساخته‌اند، اقدام نماییم و انزجار و بی‌زاری خود را از این تفرقه‌افکنان و جنگ‌افروزان وابسته به استکبار و کفر جهانی، اعلان نماییم.



مجموعه «فی رحاب اهل البیت (علیهم السلام)» (۱) حدود چهارده سال پیش، جهت زدودن این ذهبت و زدودن برخی از موانع وحدت، در معاونت امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و با کمک، مساعدت و همکاری گروهی از فضلا و محققین (۲)، طراحي و سپس مورد تنظيم و تدوین قرار گرفت.

بحمدالله به سرعت و به طور گسترده و چشمگیر، مورد استقبال محافل علمی و پژوهشی و علاقه مندان و دوستان وحدت مسلمین، قرار گرفت.

شخصیت های علمی و دست اندرکاران نشر و قلم و گروه های محاوره و مناظره، در همان زمان تدوین و نشر، پیشنهاد ترجمه ی این مجموعه را به زبان های زنده دنیا دادند که بحمدالله ترجمه فارسی آن توسط اداره ترجمه

ص: ۱۹

---

۱- (۱) - این مجموعه بیش از چهل جلد است که هر یک از آنها به یک موضوع و یک شبهه اختصاص دارد و به زبان عربی و با سبک مقارنه و ارائه دلائل تنظیم یافته است.

۲- (۲) - جهت تقدیر از زحمات عزیزانی که در این مجموعه به نوعی تلاش داشته و نقشی که در تحقق این کار علمی و فرهنگی داشته اند. متذکر می شویم: ۱- ابوالفضل اسلامی (علی)؛ مسؤول گروه و مشرف علمی پروژه. ۲- سید منذر حکیم؛ پیگیر امور مجموعه. ۳- ۵- سید عبدالرحیم موسوی (رحمه الله)، شیخ عبدالکریم بهبهانی و صباح بیاتی؛ تهیه کنندگان بعضی از متون مجموعه. ۶- ۹- شیخ عبدالأمیر سلطانی، شیخ محمد هاشم عاملی، شیخ محمد امینی و شیخ علی بهرامی؛ تصدی مسائل استخراج و مقابله. ۱۰- ۱۳- سید محمدرضا آل ایوب، عباس جعفری، حسین صالحی و عزیز عقابی؛ در مسائل تصحیح و تطبیق و روند امور. ضمن آن که از نظرات ارزشمند آقایان: شیخ جعفر الهادی (خوشنویس)، شیخ محمد هادی یوسفی غروی، استاد صائب عبدالحمید و غیر اینان در برخی از این متون استفاده کرده ایم. جزاهم الله خیر الجزاء. (ناشر)

معاونت امور فرهنگی، آماده گردید و اینک مورد بررسی مجدد و ویراستاری قرار گرفت و تقدیم علاقه مندان می شود.  
امید است که این تلاش و جهاد فرهنگی، مورد قبول پروردگار متعال و عنایت حضرت بقیه الله الأعظم (عج) قرار گرفته باشد.

گروه مطالعات بنیادی

ابوالفضل اسلامی (علی)

۱۳۹۲/۸/۲۸

ص: ۲۰

اسلام، دینی جهانی و آخرین شریعتی است که در بردارنده تمام نیازهای زندگی بشر است.

رهبری امت اسلامی تا زمانی که پیامبر اکرم (علیهما السلام) در قید حیات بودند، بر عهده ایشان بود. بدیهی است که برای این شریعت جاودانه امکان ندارد که مسأله مهم رهبری را بعد از پیامبر (علیهما السلام) مهمل بگذارد و این امر بسیار مهم را به دست حوادث و اتفاقات، یا هوا و هوس و یا اجتهادات شخصی صحابه ای واگذار کند که آرا و نظرات و جهت گیریهای متفاوتی دارند. روشن است که در چنین صورتی، اختلاف و پراکندگی و جنگ و نزاع بر پا می شده و به شکست و از هم پاشیدگی نظام اسلامی منجر می شود؛ بنابراین، برای آخرین پیامبر (علیهما السلام) و برای شریعت جاودانه اسلام، امکان ندارد که این مسأله بسیار مهم را مهمل بگذارد.

با این توضیحات؛ روشن می شود که تعیین جانشین و کسی که رهبری امت را بعد از پیامبر اکرم (علیهما السلام) بر عهده بگیرد، امری طبیعی و ضروری و مورد توقع تمام مسلمانان بوده است. در این صورت، باید دید که رسول اکرم (علیهما السلام) چه کسی را به رهبری و جانشینی پس از خود تعیین کرده است؟ و این کار، چه زمانی و چگونه انجام شده است؟

اهل بیت (علیهم السلام) و پیروان ایشان معتقدند که جانشینی رسول اکرم (علیهما السلام) و بر عهده گرفتن رهبری امت اسلامی، منصبی الهی است که رسول خدا (علیهما السلام) به دستور خدا آن را ابلاغ و اجرا می کند و خداوند و رسولش انتخاب رهبر امت اسلامی بعد از پیامبر (علیهما السلام) را مادامی که به اسم خداوند متعال و به نام دین اسلام حکومت می کنند، به رأی و انتخاب مردم واگذار نکرده اند.

خداوند و رسول او، برترین فرد امت را بعد از رسول خدا (علیهما السلام) انتخاب کرده و بر امامت و رهبری وی پس از پیامبر (علیهما السلام) تصریح کرده اند. این کار از همان آغاز رسالت شروع شده و در طی سالهای اعلام دعوت در مکه و مدینه ادامه یافت. شروع آن از «یوم الانذار» بود که تا زمان بازگشت از حجه الوداع ادامه یافت و به صورت خاص در هجدهم ذیحجه سال دهم هجری انجام شد که خداوند متعال به صراحت پیامبر خویش را مأمور به انجام آن کرد و آن حضرت ابلاغ امر الهی را تا زمان رحلت ادامه دادند.

این در حالی است که پیروان خلفا که حکومت را پس از رحلت پیامبر اکرم (علیهما السلام) به دست گرفتند، قایل به این بودند که خلافت، یک منصب الهی نیست و احتیاج به نصّ و تصریح خدا و پیامبر (علیهما السلام) ندارد! بلکه ممکن است که با رأی و نظر مسلمانان، اگرچه تعداد کمی باشند، یک نفر به عنوان خلیفه انتخاب شود!

بعضی تلاش کرده اند که ثابت کنند رسول خدا(علیهما السلام) امر جانشینی خود را مهمل گذاشته است! و آن را با دلایلی توجیه کرده اند که در بهترین صورت به این مطلب ختم می شود که چنین کاری بر اساس سیره بعضی از صحابه بوده است، لذا برای سایر مسلمانان حجت است!

از نویسندگان کتابهای روایی و تاریخی که در اواخر دوران بنی امیه و اوایل دوران بنی عباس نگاشته شده است، این توقع وجود ندارد که ملتزم به بیان تمام حقایق تاریخی باشند. به ویژه هنگامی که بعضی از حقایق، با منافع حاکمان آن زمان در تضاد باشد. در این صورت، اگر یک منبع، یا دو منبع، یک حادثه تاریخی را برخلاف دیگران نقل کرده باشند، باید آن را یک امر مهم تلقی نمود و توجه ویژه بدان مبذول داشت و سهل انگاری در این مورد، سزاوار نیست.

بر یک محقق حقیقت طلب، لازم است که قضایای مهم را در آن اوضاع، با روشهای علمی بررسی کند و وضعیت طبیعی عصر رسالت و مهمترین حوادث آخرین روزهای عمر پیامبر اکرم(علیهما السلام) را به شکل معقول مورد تحقیق و ارزیابی قرار دهد.

اوضاع سیاسی داخل و خارج نظام اسلامی در اواخر عمر پیامبر(علیهما السلام) به گونه ای بود که ضرورت داشت آن حضرت کسیرا به عنوان جانشین خود معرفی کند. در آن ایام، منافقان و اهل کتاب

از درون، نظام اسلامی را تهدید می کردند و دولت بیزانس و مشرکان جزیره العرب از خارج، نظام اسلامی را تهدید می کردند.

چنین اوضاع اجتماعی و سیاسی خطرناکی که هر لحظه آّبستن حوادث و آشوبهای متعدد بود، اقتضا می کرد که پیامبر اکرم (علیهما السلام) تمام پیش بینی های لازم را جهت دفع هر گونه اختلاف و نزاع در داخل نظام اسلامی انجام دهد و زمینه استمرار و بقای وحدت اسلامی را فراهم کند و این مهم، با تعیین و نصب رهبری شایسته که امت اسلامی را از تشتت و تفرقه دور نگه دارد، به انجام می رسد.

با نصب رهبری شایسته و لایق، وحدت امت اسلامی، حفظ شده و هواپرستان طمع نمی کردند که مدعی خلافت و رهبری امت اسلامی شوند. بدین ترتیب جلو اختلافات و نزاعها گرفته می شد و امت اسلامی، بدون رهبر و راهنما به دست حوادث سپرده نمی شد.

این احتمالات و محاسبات اجتماعی، ما را به صحت نظریه «ضرورت تعیین جانشین رسول خدا (علیهما السلام)» رهنمون می شود که آن حضرت آن را در واقع محقق کرد. از همین جا روشن می شود که سر مطرح کردن مسأله خلافت و جانشینی از همان روزهای اول دعوت اسلامی، چه بوده است، در آن هنگام که تعداد کمی اسلام آورده بودند و خدای یکتا را پرستش می کردند. همچنین در می یابیم که چرا آن حضرت در طول دوران رسالت و حتی در آخرین لحظات زندگی، به این مسأله اشاره می کرده است.

رسول خدا(علیهما السلام) جانشین خود را تعیین کرده بود و با بیاناتی قاطع و واضح از همان اوّلین روزهای دعوت و در طول دوران رسالت و حتّی در آخرین ساعات زندگی اش به خلیفه و جانشین خود تصریح می کرد. اهل بیت(علیهم السلام) و کسانی که با وجود تطمیع ها و تهدیدها دین خود را به حاکمان نفروختند، چنین نظری دارند و بر صحت نظر خود، اصرار ورزیده و دلیل می آورند.

در این جا به برخی از نصوصی که تصریح می کند پیامبر اکرم(علیهما السلام) از اوایل دعوت، تا اواخر عمر شریفش به مسأله جانشینی، عنایت خاصی داشته است، اشاره می کنیم:

طبری می نویسد:

«ابن حُمَید برای ما از سَیْلَمَه، از محمّد بن اسحاق، از عبدالغفّار بن قاسم، از منهال بن عمرو، از عبدالله بن حارث بن نوفل بن حرث بن عبدالمطلب، از عبدالله بن عبّاس، از علی ابن ابی طالب روایت کرده است: وقتی آیه: **وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ** نازل شد، رسول خدا(علیهما السلام) مرا فراخواند و فرمود: (ای علی! خداوند به من دستور داد که خویشاوندان نزدیک را انذار کنم، امّا از این کار سینه ام تنگ و اندوهگین شده است؛ زیرا می دانم که اگر این امر را با ایشان در میان بگذارم، برخورد مکروهی را از آنان می بینم، پس اقدامی نکردم تا جبرئیل نازل شد و فرمود: ای محمّد! اگر تو آنچه را که مأمور شده ای، انجام ندهی، خداوند تو را عذاب می کند. حال ای

علی! ظرفی از غذا تهیّه کن و ران گوسفندی بر آن بگذار و ظرفی شیر آماده کن. آنگاه فرزندان عبدالمطلب را دعوت کن تا با آنان صحبت کنم و دستور الهی را به ایشان ابلاغ نمایم.

من دستورات رسول خدا(علیهما السلام) را انجام داده و بنی عبدالمطلب را که در آن روز، حدود چهل مرد بودند، دعوت کردم. در میان ایشان عموهای پیامبر(علیهما السلام): ابوطالب، حمزه، عباس و ابولهب هم حضور داشتند.

پس از آن که همه آمدند، پیامبر(علیهما السلام) فرمود تا غذا را بیاورم. من آن را آوردم، پس از آن که غذا را در سفره گذاشتم، رسول خدا(علیهما السلام) تکه ای از گوشت را برداشت و آن را تکه تکه کرد و در جاهای مختلف ظرف غذا گذاشت، سپس فرمود: با نام خدا بفرمایید بخورید. افراد شروع به خوردن کردند تا سیر شدند، در حالی که فقط جای دستهایشان در غذا باقی مانده و از غذا چیزی کم نشده بود. و به خدایی که جان علی در دست اوست! یک نفر از آنان می توانست تمام غذایی را که تهیّه کرده بودم، به تنهایی بخورد.

سپس به من فرمود: ای علی! آنان را سیراب کن. من ظرف شیر را آوردم و همگی از آن نوشیدند تا سیراب شدند و به خدا قسم! یک نفر از آنان در حالت عادی، تمام آن شیر را به تنهایی می آشامید.



پس از صرف غذا، هنگامی که پیامبر(علیهما السلام) خواست صحبت کند. ابولهب پیشدستی کرد و گفت: همانا میزبان، شما را جادو کرده است!

فرزندان عبدالمطلب پراکنده شدند و رسول خدا(علیهما السلام) نتوانست در آن جلسه دستور الهی را ابلاغ کند. برای همین فرمود: ای علی! فردا همین کار را تکرار می کنیم. چنان که دیدی این مرد، امروز از من پیشی گرفت و باعث شد که افراد متفرق شوند، پس غذایی تهیه کن تا فردا آنان را دعوت کنیم.

من دستورات رسول خدا(علیهما السلام) را انجام دادم. سپس همگی را دعوت کردیم. پس از آن که همه آمدند، پیامبر(علیهما السلام) دستور داد تا غذا را ببرم. غذا را در وسط سفره گذاشتم و رسول خدا(علیهما السلام) همان کار دیروز را تکرار کرد و همه افراد غذا خوردند تا سیر شدند و شیر نوشیدند تا سیراب شدند. آنگاه پیامبر(علیهما السلام) شروع به صحبت کرد و فرمود:

«ای فرزندان عبدالمطلب! به خدا قسم! در میان عرب کسی را نمی شناسم که چیزی بهتر از آنچه من برای شما آورده ام، آورده باشد. من خیر دنیا و آخرت را برای شما آورده ام. خداوند به من دستور داده است که شما را به سوی خیر دنیا و آخرت دعوت کنم. حال کدام یک از شما مرا در این کار یاری می کند تا برادر، وصی و جانشین من باشد؟»

تمام افراد از پذیرش این درخواست، خودداری کردند. من که کم سن و سال ترین ایشان بودم، عرض کردم: ای پیامبر خدا! من تو را کمک می کنم و یاور تو هستم.

آن حضرت دست مرا گرفت و فرمود: بدانید که او برادر، وصی و جانشین من در میان شماست، حرف او را بشنوید و از او اطاعت کنید.

فرزندان عبدالمطلب در حالی که می خندیدند، از جای خود برخاستند و بعضی به ابوطالب می گفتند: به تو دستور داده است که از فرزند خردسالت اطاعت و حرف شنوی داشته باشی!!» (۱).

این حدیث، نزد محدثان و مفسران به:

«حدیث یوم الدار و حدیث بدء الدعوه» مشهور است. (۲)

رسول خدا(علیهما السلام) به همین مقدار در ابتدای رسالتش اکتفا نکرده است بلکه در جاها و به مناسبتهای مختلف تصریح کرده است که جانشین وی، علی ابن ابی طالب(علیه السلام) است. بارزترین این تصریحات، در روز هجدهم ذیحجه سال دهم هجری صورت پذیرفت. این روز

ص: ۲۸

---

۱- (۱) - تاریخ طبری: ۵۴۳/۱ - ۵۴۲، چاپ دارالکتب العلمیه - بیروت؛ الکامل: ۴۲/۱ - ۴۱، چاپ دارالکتب العربی - بیروت.

۲- (۲) - جامع البیان، طبری: ۱۴۹/۱۹، چاپ دارالفکر - بیروت ۱۴۱۵ هـ. ق؛ تفسیر ابن کثیر: ۳/۳۶۴، چاپ دارالمعرفه - بیروت ۱۴۲۱۲ هـ. ق؛ البدایه و النهایه، ابن کثیر: ۳/۵۳، چاپ داراحیاء التراث العربی - بیروت ۱۴۰۸ هـ. ق؛ شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی: ۲۱۱/۱۳، دار احیاء الکتب العربیه.

به روز، «غدیر» یا «روز غدیر خم» معروف شد و در این جا به صورت مختصر این حادثه تاریخی عظیم و سخنان بلیغ رسول خدا (علیهما السلام) را در ضمن چهار بحث، بیان می کنیم.

ص: ۲۹



رسول خدا (علیهما السلام) در سال دهم هجری تصمیم گرفت تا حجّ به جای آورد. این مطلب را در همه جا اعلام کردند و به دنبال آن عدّه زیادی از مسلمانان وارد مدینه شدند تا پیامبر اکرم (علیهما السلام) را در این سفر روحانی، همراهی کنند. این حجّ به «حجّه الإسلام»، «حجّه البلاغ»، «حجّه الکمال» و «حجّه التمام» مشهور شد (۱). و رسول خدا (علیهما السلام) از زمان هجرت تا هنگام رحلت، تنها همین یک حجّ را به جای آورد.

آن حضرت در حالی که غسل کرده و روغن زده بود، لباس احرامش را که دو قطعه پارچه صُیحاری (۲) بود، در بر کرده و با پای

ص: ۳۱

---

۱- (۱) - الغدیر، امینی: ۹/۱، وجه تسمیة حجّه الوداع به حجّه البلاغ این است که این آیه نازل شد: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ، چنان که وجه تسمیة آن به یوم التمام و یوم الکمال، نزول این آیه است: الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي.

۲- (۲) - صُحَار: شهر عمان، یا قصبه عمان است که در ساحل دریا قرار دارد (معجم البلدان: ۳/ ۳۹۳).

پیاده از مدینه خارج شد. این حرکت، مصادف با روز شنبه که پنج، یا شش شب از ذیقعدہ باقی مانده بود، شروع شد.

در این سفر، تمام زنان آن حضرت نیز شرکت کردند و تمام اهل بیتش و مهاجرین و انصار و افرادی بی شمار از قبایل عرب و بادیہ نشینها او را همراهی می کردند. (۱)

با وجودی که هنگام حرکت آن حضرت به سوی حجّہ الوداع، مردم مدینه به بیماری جدری، یا حصبه مبتلا شده بودند و عدّه زیادی از همراهی با پیامبر(علیہما السلام) بازمانده بودند، امّا با این حال، تعداد بی شماری - که تعدادشان را جز خدا نمی داند - او را همراهی کردند. گفته شده است که: نود هزار نفر و بنا به قولی ۱۰۴ هزار نفر و بنا به قولی ۱۲۰ هزار نفر و بنا به قولی ۱۲۴ هزار نفر، آن حضرت را همراهی می کردند. و برخی تعداد را از این هم بیشتر دانسته اند. این در حالی است که این تعداد، همراه آن حضرت بوده اند و افرادی که حجّ به جای آورده اند، به یقین بیش از این مقدار بوده اند؛ زیرا عدّه ای از یمن همراه امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) و ابوموسی اشعری آمده بودند و عدّه ای مقیم مکه بودند. (۲)

ص: ۳۲

---

۱- (۱) - طبقات، ابن سعد: ۲۲۵/۳ و ۱۷۳/۲؛ امتاع المقریزی: ۵۱۰، إرشاد الساری: ۶ / ۴۲۹؛ تاریخ ابن خلدون: ۵۸ / ۲، قسمت ۲؛ تاریخ یعقوبی: ۱۰۹ / ۲.

۲- (۲) - السیره الحلبیہ: ۲۸۳/۳؛ سیره احمد زینی دحلان: ۳/۳ و ۱۴۳/۲؛ تاریخ الخلفاء، ابن جوزی: جزء چهارم؛ تذکره خواصّ الأمه: ۸۱۸؛ دائره المعارف، فرید وجدی: ۵۴۲/۳.

آن حضرت در روز یکشنبه به یَلْمَلَم (۱) رسید. سپس حرکت کرد تا در شب، به شرف السیّاله رسید. در آنجا نماز مغرب و عشا را به جای آورد، سپس نماز صبح را در عرق الطیبیه (۲) به جای آورد. آنگاه در الروحاء فرود آمد و از آنجا حرکت کرد تا نماز عصر را در منصرف به جای آورد. نماز مغرب و عشا را در متعشی به جای آورد و در همانجا شام خورد و نماز صبح را در الأثایه به جای آورد.

آن حضرت در روز سه‌شنبه در العرج بود و پس از آن لحدی جمل - که گردنه جحفه بود - را پشت سر گذاشت و روز چهارشنبه در سقیّا فرود آمد. صبح روز بعد، در ابوا نماز صبح را خواند و سپس حرکت کرد تا در روز جمعه در جحفه فرود آمد و از آنجا به سوی قُدید حرکت کرد. روز شنبه به آنجا رسید و روز یکشنبه در عُسفان فرود آمد. وقتی که در غمیم بودند، عده‌ای از پیادگان از خستگی خود، اظهار شکایت کردند. آن حضرت فرمود: «تند راه بروید، بدون آن که بدوید». آنان چنین کردند و از خستگی شان کم شد.

ص: ۳۳

---

۱- (۱) - یَلْمَلَم، میقات اهل یمن است و کوهی است در جنوب مکه (معجم البلدان: ۴۴۱/۵).

۲- (۲) - عرق الطیبیه، در سه مایلی روهاء قرار دارد (معجم البلدان: ۵۸/۳).

روز دوشنبه به مرالظهران رسیدند. هنگام غروب خورشید به سرف رسیدند و آن حضرت نماز مغرب را به جای نیاورد تا وارد محدوده مکه شد. وقتی به ثنیتین رسیدند، استراحت کردند و آن حضرت در روز سه شنبه وارد شهر مکه شد.

پس از انجام مناسک حج، به سوی مدینه بازگشت، در حالی که جمعیت بی شمار مذکور همراهش بودند. در روز پنج شنبه به غدیرخم در منطقه جحفه رسیدند که در آن جا مسیرهای مدینه، مصر و عراق از هم جدا می شد.

در این روز که هجدهم ذیحجه بود، جبرئیل امین نازل شد و این آیه را آورد: يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ . خداوند به آن حضرت دستور داد که علی را به جانشینی خود معرفی کند و وجوب ولایت پذیری و اطاعت از جانشین خود را به همه ابلاغ نماید. در این هنگام، اوایل کاروانها در جحفه بودند. رسول خدا(علیهما السلام) دستور داد آنانی که جلو افتاده اند، برگردند و کسانی که عقب تر بودند، به همان جا رسیدند و توقف کردند. و مردم را از منزل کردن در زیر سایه پنج درخت بزرگی که کنار هم قرار داشتند، منع می کردند. هنگامی ظهر فرا رسید. آن حضرت زیر همین درختها به نماز ایستاد و نماز ظهر را با مردم خواند. هوا بسیار گرم بود. برای همین، قسمتی از ردا را بر سر و قسمتی از آن را زیر پای خود



می انداختند. برای سایه کردن رسول خدا(علیهما السلام) پارچه ای را روی درختها انداخته بودند تا تابش خورشید، آن حضرت را اذیت نکند، پس از پایان نماز، پیامبر اکرم(علیهما السلام) برخاست و بر بالای چهار شترها که در وسط مردم (۱) روی هم چیده شده بود رفت و با صدای بلند شروع به ایراد خطبه فرمود:

«خدا را ستایش می گوئیم و از او کمک می خواهیم و به او ایمان آورده و بر او توکل می کنیم. از شرور نفسهایمان و از بدیهای اعمالمان به خدا پناه می بریم. همانا برای کسی که خدا او را گمراه کند، هدایت گری نیست و برای کسی که او را هدایت کند، گمراه کننده ای نیست. شهادت می دهم که: لا اله الا الله و انّ محمداً عبده و رسوله.

امّا بعد، ای مردم! همانا خداوند آگاه و مهربان به من خبر داده است: به درستی که هر پیامبر به اندازه نصف پیامبر قبلی عمر می کند. نزدیک است که من به سرای آخرت دعوت شوم و اجابت کنم. به درستی که من مسؤولم و شما مسؤول هستید. پس شما چه می گوئید؟

ص: ۳۵

---

۱- (۱) - در مجمع الزوائد: ۱۰۶/۹ و در تاریخ آل زراره، ابن غالب رزاری: ۸۴/۲ چنین آمده است.

گفتند: شهادت می دهیم که دستور خدا را ابلاغ کردی و شرط نصیحت را به جای آوردی و بسیار تلاش کردی و امیدواریم که خداوند جزای خیر به شما عنایت فرماید.

فرمود: آیا شهادت نمی دهید که: لا اله الا الله و انّ محمّداً عبده و رسوله و این که بهشت و جهنّم حقّ و مرگ، حقّ است و قیامت خواهد آمد و هیچ شکی در آن نیست و همانا خداوند، تمام کسانی را که در قبور هستند، مبعوث خواهد کرد؟

گفتند: شهادت می دهیم.

فرمود: پروردگارا! شاهد باش.

سپس فرمود: ای مردم! آیا آنچه را می گویم می شنوید؟

گفتند: بله.

فرمود: من به زودی پیش از همه شما بر حوض وارد می شوم و پس از آن شما در حوض بر من وارد می شوید که عرض آن مابین صنعا و بصری (۱) است و به تعداد ستارگان، ظرفهای نقره در کنار آن هست. مواظب باشید که پس از من، چگونه با ثقلین رفتار می کنید.

فردی پرسید: ثقلین چیست، ای رسول خدا؟

ص: ۳۶

---

۱- (۱) - «صنعا» در حال حاضر پایتخت یمن است و «بصری»، قصبه ای در اطراف دمشق است.

فرمود: ثقل اکبر، کتاب خداست که یک طرف آن در دست خدا و طرف دیگر در دست شماست. به آن متمسک شوید تا گمراه نشوید و ثقل اصغر، عترت من هستند. همانا خدای آگاه و مهربان به من خبر داده است که این دو از هم جدا نمی شوند تا در حوض بر من وارد شوند و این را خدا برای این دو خواسته است. مواظب باشید که از این دو، پیش نیفتید که گمراه می شوید و عقب نمانید که هلاک می شوید.

سپس دست علی (علیه السلام) را گرفت و بلند کرد، به طوری که سفیدی زیربغل هر دو آشکار شد و تمام مردم او را شناختند. آنگاه فرمود: ای مردم! چه کسی نسبت به مؤمنان از خودشان اولی است؟

گفتند: خدا و رسولش بهتر می دانند.

فرمود: همانا خداوند مولای من است و من مولای مؤمنین هستم و از خودشان نسبت به ایشان اولی هستم، پس هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست.

این را سه مرتبه تکرار کرد. و احمد، امام حنابله نقل کرده است که آن را چهار بار تکرار کرد و سپس فرمود:

پروردگارا! دوستان علی (علیه السلام) را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار و هر کس به او محبت می ورزد، او را مورد محبت خود قرار بده و با هر کس که نسبت به علی کینه ورزی می کند، مورد حقد و کینه خود قرار بده و هر کس که او را یاری می کند، یاری کن و هر کس که او

را خوار می‌شمارد، خوارگردان و حق را همان جا قرار بده که علی در آن جا است. آگاه باشید که شاهدان این را به غایبان برسانند.

هنوز مردم متفرق نشده بودند که جبرئیل امین این آیه را نازل فرمود:

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي .

رسول خدا(علیهما السلام) فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و رضایت پروردگار از رسالت من و ولایت علی(علیه السلام) بعد از من.

پس از آن، افراد به تهنیت گویی پرداختند و از جمله کسانی که پیش از دیگران به علی(علیه السلام) تهنیت گفتند خلیفه اول و دوم بودند که هر کدام می‌گفتند: مبارک باد! مبارک باد! ای پسر ابوطالب! که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده‌ای.

ابن عباس می‌گوید: به خدا قسم! ولایت علی(علیه السلام) بر گردن همه واجب شده بود.

حسن شاعر از پیامبر(علیهما السلام) اجازه خواست که اشعاری درباره علی(علیه السلام) بگوید.

آن حضرت(علیهما السلام) فرمود: با امید به برکت خداوند، بگو.

حسن برخاست و گفت: «ای جماعت قریش! سخنان مرا بشنوید در جایی که رسول خدا(علیهما السلام) بر آن شاهد است و آنگاه سرود: همانا پیامبرشان در روز غدیر آنان را مخاطب قرار می‌دهد، آن هم در غدیر خم، پس ندای رسول خدا را بشنو».

این بیانات، خلاصه ای از حادثه غدیر بوده است که امت اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند و در تمام جهان و در میان امت اسلام، واقعه غدیری، غیر از واقعه غدیر خم وجود ندارد و اگر بدون قید و قرینه ای آورده شود، منصرف به همین غدیر خم است و اگر در مورد محل آن سؤال شود، گفته خواهد شد که این محل در جحفه قرار دارد و در میان تمام مسلمانان معروف است و هیچ کدام از محققان و پژوهشگران به چیزی دیگر برخورد نکرده اند. (۱)

ص: ۳۹

---

۱- (۱) - الغدیر، امینی: ۹ - ۱۲.



## بحث دوم: عید غدیر در تاریخ اسلامی

مشیت الهی چنین بوده است که واقعه تاریخی غدیر در تمام قرون و اعصار، زنده بماند و قلبها و اندیشه ها را متوجه خود کند. نویسندگان اسلامی در هر عصر و زمانی، درباره آن بنویسند و در تألیفات متعدد خود در زمینه تفسیر، تاریخ، حدیث و عقاید در مورد آن سخن بگویند؛ چنان که واعظان، خطیبان و شعراء این مسأله اهمیت داده و آن را از فضایل امام علی (علیه السلام) قلمداد کنند که هیچ شك و تردیدی در آن نیست.

کمتر واقعه تاریخی را می توان در تاریخ بشریت به طور عام و در تاریخ اسلامی به طور خاص یافت که همانند واقعه غدیر خم این همه مورد اهتمام باشد و کمتر حادثه ای است که گروه های بی شماری از محدثان، مفسران، متکلمان، فلاسفه، شعراء، ادبا، نویسندگان، خطیبان و صاحبان سیره و تاریخ درباره آن به تفصیل سخن گفته و آن را مورد توجه قرار داده باشند.

از جمله عوامل زنده ماندن این واقعه بزرگ و استمرار این حادثه عظیم، نزول دو آیه از آیات قرآن کریم درباره آن است. (۱)

مادامی که قرآن کریم، باقی است و شبانه روز قرائت می شود، این حادثه عظیم نیز در افکار و اندیشه ها زنده و جاوید است. مسلمانان و به خصوص پیروان اهل بیت در قرنهای گذشته، روز غدیر را یکی از عیدهای بزرگ می دانستند و این روز در میان ایشان به «عید غدیر» معروف و مشهور بود و حتی ابن خلکان نوشته است:

«با مستعلی بن مستنصر در روز عید غدیر خم که هجدهم ذیحجه، سال ۴۸۷ قمری بود، بیعت شد». (۲)

و در شرح حال مستنصر بالله، عییدی آورده است:

در شب پنج شنبه که دوازده روز از ذیحجه، سال ۴۸۷ قمری باقی مانده بود، در گذشت و این همان شب عید غدیر است؛ یعنی شب هجدهم ذیحجه که همان غدیر خم است». (۳)

ابوریحان بیرونی در کتاب الآثار الباقیه این روز را از روزهایی شمرده است که مسلمانان آن را از اعیاد اسلامی می دانند. (۴)

از ابوهریره روایت شده است:

ص: ۴۲

---

۱- (۱) - مائده (۵): ۳ و ۶۷.

۲- (۲) - وفيات الاعیان: ۱ / ۶۰.

۳- (۳) . - همان.

۴- (۴) - الآثار الباقیه: ۳۹۵؛ الغدیر: ۱ / ۲۶۷.



«هر کسی روز هجدهم ذیحجه را روزه بگیرد، خداوند ثواب روزه شش ماه (یا یک سال) را برای او می نویسد و این روز، همان روز عید غدیر خم است که پیامبر اکرم (علیهما السلام) دست علی (علیه السلام) را بلند کرد و فرمود: هر کس من مولای او هستم، پس علی مولای اوست. پروردگارا! دوستان علی را دوست مدار و دشمنان علی را دشمن مدار و هر کسی که او را یاری می کند، یاری کن. پس عمر بن خطاب گفت: مبارک باشد! مبارک باشد ای پسر ابوطالب، مولای من و مولای هر مسلمانی شدی. (۱)

ثعالبی نیز شب غدیر را از شبهای معروف در میان مسلمانان بر شمرده است (۲).

سابقه و ریشه این عید اسلامی، به حادثه روز غدیر بر می گردد؛ زیرا در این روز، رسول خدا (علیهما السلام) به مهاجرین، انصار، همسران و زنان اهل بیتش دستور دادند که بر علی (علیه السلام) وارد شوند و به او تهنیت بگویند.

زید بن ارقم می گوید:

اولین کسانی که با پیامبر (علیهما السلام) و علی (علیه السلام) دست دادند، ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر بودند و سپس بقیه مهاجرین و انصار و پس از آن بقیه مردم». (۳)

ص: ۴۳

---

۱- (۱) - تاریخ دمشق: ۲/ ۵۷۷ و ۵۷۵ و ۷۵؛ تاریخ بغداد: ۲۹۰/۸.

۲- (۲) - ثمار القلوب: ۵۱۱.

۳- (۳) - الغدیر: ۲۷۰/۱. آن را از احمد بن محمد طبری، مشهور به «خلیلی» در کتاب مناقب علی ابن ابی طالب نقل کرده است.

در اهمّیت این حادثه تاریخی همین کافی است که آن را ۱۱۰ نفر از صحابه روایت کرده اند! (۱) این سخن بدان معنا نیست که فقط همین ۱۱۰ نفر از میان آن همه جمعیت، این واقعه را نقل کرده اند بلکه بدین معنا است که نام این ۱۱۰ نفر در منابع حدیثی و تاریخی آمده است.

این حدیث را ۸۹ نفر از تابعین در قرن دوّم هجری روایت کرده اند و تعداد راویان حدیث غدیر در طی قرون متمادی، شامل تعداد قابل توجهی از علمای مذاهب مختلف اسلامی شده است که به تواتر و صحّت آن اعتراف کرده اند. (۲)

ص: ۴۴

---

۱- (۱) - الغدیر: ۶۱/۱ و ۳۱۴.

۲- (۲) - مورّخ بزرگ اسلامی، ابوجعفر طبری، کتابی را در این زمینه با نام: الولایه فی طرق حدیث الغدیر تألیف کرده است. او حدیث غدیر را در این کتاب با هفتاد و چند سند از پیامبر اکرم روایت کرده است. و ابن عقده در رساله الولایه، حدیث غدیر را از ۱۰۵ طریق روایت کرده است که برای مطالعه بیشتر باید به مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب: ۲/ ۲۲۸ مراجعه کرد. و نیز ابوبکر محمّد بن عمر بغدادی، معروف به «جمعانی»، این حدیث را با ۲۵ سند نقل کرده است.



اول: اعتراف علمای مذاهب مختلف به تواتر حدیث غدیر

- ۱- جلال الدین سیوطی شافعی، در الفوائد المتکاتره فی الاخبار المتواتره و در الأزهار المتناثره فی الأخبار المتواتره.
- بیانات سیوطی در مورد تواتر حدیث غدیر را علامه عزیزی در کتاب شرح الجامع الصغیر، جلد ۳، صفحه ۳۶۰ نقل کرده است.
- ۲ - ملا علی قاری حنفی، در المرقاه فی شرح المشکاه، جلد ۵، صفحه ۵۶۸.
- ۳- جمال الدین عطاءالله بن فضل الله شیرازی، در کتاب الاربعین که خطی است.
- ۴- مناوی شافعی در کتاب التیسیر فی شرح الجامع الصغیر، جلد ۲، صفحه ۴۴۲.
- ۵ - میرزا مخدوم بن میرعبدالباقی در النواقض علی الروافض.
- ۶ - محمد بن اسماعیل یمانی صنعانی در الروضه الندیة.

۷- محمد صدر عالم، در کتاب معارج العلی فی مناقب المصطفی.

۸- شیخ عبدالله شافعی در الاربعین.

۹- شیخ ضیاءالدین مقبلی در کتاب الأبحاث المسدده فی الفنون المتعدده.

۱۰- ابن کثیر دمشقی در تاریخ خود در شرح حال محمد بن جریر طبری.

۱۱- ابو عبدالله حافظ ذهبی. سخن وی در باب تواتر حدیث غدیر را ابن کثیر در تاریخ خود، جلد ۵، صفحه ۲۱۴-۲۱۳ نقل کرده است.

۱۲- حافظ بن جزری، تواتر حدیث غدیر را در کتاب اسنی المطالب فی مناقب علی ابن ابی طالب، صفحه ۴۸ چنین نقل کرده است:

«این حدیث از این وجه حسن است و از وجوه بسیاری صحیح است. به صورت متواتر از علی (علیه السلام) و نیز به صورت متواتر از پیامبر (علیهما السلام) نقل شده است. جمع بی شماری، آن را روایت کرده اند و تلاش عدّه ای برای تضعیف آن که آگاهی از علم حدیث و رجال ندارند، ضرری به صحت آن نمی زند».

۱۳- شیخ حسام الدین متقی. او در کتاب مختصر قطف الأزهار المتناثره به این مطلب اشاره کرده است.

۱۴- ثناء الله بانی بتی که تواتر حدیث را در السیف المسلول نقل کرده است.

ص: ۴۷

۱۵- محمد مبین لکهنوی، در کتاب وسیله النجاه فی فضائل السادات، صفحه ۱۰۴.

**دوم: جمعی از بزرگان محدّثین، حدیث غدیر از طرق بسیاری نقل کرده اند که برخی از آنان عبارتند از:**

۱- احمد بن حنبل، آن را از چهل طریق.

۲- ابن جریر طبری، آن را از هفتاد و دو طریق.

۳- جزری مقری، آن را از هشتاد طریق.

۴- ابن عقده از ۱۰۵ طریق.

۵- ابوسعید سجستانی، از ۱۲۰ طریق.

۶- ابوبکر جعابی، از ۱۲۵ طریق.

۷- محمد یمنی، از ۱۵۰ طریق.

۸- ابوالعلاء عطار همدانی، از ۲۵۰ طریق نقل کرده اند.

۹- و شیخ عبدالله شافعی، در کتاب المناقب، صفحه ۱۰۸، خطّی، آورده است:

این خبر (یعنی حدیث غدیر) از حدّ تواتر گذشته است و هیچ خبری وجود ندارد که مثل این خبر، از طرق متعدّد و بی شمار، نقل شده باشد.

ص: ۴۸

## سوم: احتجاج صحابه و تابعین به حدیث غدیر

۱- امی-المؤمنی-ن علی(علیه السلام) در روز شوری (۱) و در ایام خلافت عثمان (۲) و در یوم الرجبه در کوفه (۳) و در روز جمل (۴) و در حدیث الرکیان در کوفه (۵) و در روز صفین (۶)، بدان استشهاد کردند.

۲- فاطمه، دختر رسول خدا(علیهما السلام). (۷)

۳- امام حسن مجتبی(علیه السلام)، سبط اکبر رسول خدا(علیهما السلام). (۸)

۴- امام حسین(علیه السلام)، سبط اصغر رسول خدا(علیهما السلام). (۹)

۵. عبدالله بن جعفر با همین حدیث بر معاویه احتجاج کرد. (۱۰)

۶- عمروبن عاص بر معاویه احتجاج کرد. (۱۱)

۷- عماربن یاسر در جنگ صفین بدان احتجاج کرد. (۱۲)

ص: ۴۹

---

۱- (۱) - فرائد السمطین، حموینی شافعی: ۱ / ۳۱۹، باب ۵۸.

۲- (۲) - فرائد السمطین: ۱ / ۳۱۲.

۳- (۳) - المناقب، خوارزمی: ۱۵۷.

۴- (۴) - المناقب: ۱۸۲.

۵- (۵) - مسند احمد: ۵ / ۴۱۹.

۶- (۶) - کتاب سلیم بن قیس: ۲۹۵.

۷- (۷) - اسنی المطالب: جزری مقری شافعی: ۴۹.

۸- (۸) - ینابیع الموده، قندوزی حنفی: ۳ / ۳۶۹.

۹- (۹) - کتاب سلیم بن قیس: ۳۲۰.

۱۰- (۱۰) - کتاب سلیم بن قیس: ۳۶۱.

۱۱- (۱۱) - المناقب، خوارزمی حنفی: ۱۹۹.

۱۲- (۱۲) - شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید: ۲۱/۸.

۸ - أصغ بن نباته در مجلس معاویه بدان احتجاج کرد. (۱)

۹ - جوانی در کوفه بر ابوهریره احتجاج کرد (۲)

۱۰ - قیس بن عباده بر معاویه احتجاج کرد (۳)

۱۱ - عمر بن عبدالعزیز بدان احتجاج کرد. (۴)

۱۲ - مأمون بر فقها احتجاج کرد. (۵)

ص: ۵۰

---

۱- (۱) - المناقب، خوارزمی: ۲۰۵.

۲- (۲) - مجمع الزوائد، هیتمی شافعی: ۱۰۵ / ۹.

۳- (۳) - کتاب سلیم بن قیس: ۳۱۳.

۴- (۴) - تاریخ مدینه دمشق، ابن عساکر شافعی: ۳۴۴ / ۴۵.

۵- (۵) - العقد الفرید، ابن عبد ربّه: ۳۲۷ / ۵ - ۳۱۷؛ الغدير، علامه امینی: ۲۱۲ / ۱۰.





## بحث چهارم: تأویل ناپذیری حدیث غدیر

عده‌ای مدعی شده‌اند که پیامبر اکرم (علیهما السلام) از اقدامات و سخنانش در روز غدیر، قصد این را نداشته است که علی (علیه السلام) را به عنوان ولی و رهبر مسلمین و جانشین پس از خود منصوب کند! بلکه می‌خواست فضیلت و جایگاه او را تبیین نماید. چنان که کلمه «ولی» به معنای ناصر، صدیق و محبوب هم استخدام می‌شود؛ بنابراین، ضرورتی ندارد که آن را بر «اولویت در تصرف» حمل کنیم تا به معنای رهبر و حاکم و متولی امور مسلمین باشد.

ولی ملاحظه و بررسی اوضاع مربوط به این واقعه تاریخی که رسول اکرم (علیهما السلام) آن را ایجاد کردند، هیچ مجالی برای این تأویل باقی نمی‌گذارد و آن را مدعایی بدون دلیل می‌کند.

جمع کردن هزاران نفر در آن گرمای سوزان و دستور به بازگشت کسانی که جلوتر و ملحق شدن کسانی که عقب تر بودند و سفارش به این که حاضران به غایبان برسانند و خبر دادن از نزدیک بودن رحلت خویش و گرفتن اقرار به توحید، معاد و نبوت و یادآوری اولویت خود نسبت به مؤمنین، همگی دلیل بر این است که پیامبر اکرم (علیهما السلام) در صدد بیان امر بسیار مهمی بوده است.

هر انسانی می فهمد که آن حضرت از این اقدامات جدی و زمینه سازیهای گسترده، هدف بسیار مهمی را دنبال می کرده که با آینده امت اسلامی، ارتباط تنگاتنگی داشته است.

این در حالی است که خداوند متعال نیز آن حضرت را تهدید کرده بود که اگر این امر مهم را ابلاغ نکند، گویی رسالت خویش را که ۲۳ سال، شبانه روز برای آن زحمت کشیده بود، به انجام نرسانیده است.

ابلاغ این امر مهم، چه چیزی بوده است که خداوند به او وعده می دهد که وی را از شرّ مردم به هنگام ابلاغ این امر در امان نگه می دارد؟

آیا ابلاغ مفاهیمی که ارتباطی با امر رهبری و جانشینی نداشته باشند، خطری متوجه آن حضرت می کند که خداوند وعده حفاظت از او را بدهد؟ چه افرادی هستند که رسول خدا(علیهما السلام) از ابلاغ امر الهی از آنان خوف دارد و خداوند به او وعده می دهد که او را حفظ کند؟

به این ترتیب، روشن می شود که تأویل این حدیث به معانی دیگر، ممکن نیست و مدّعی چنین ادّعای سخیفی در صدد آن است که از حجّت بالغه رسول خدا(علیهما السلام) که آن را به صراحت بیان کرده است، فرار کند. آن حضرت امر مهمّ خلافت را به حال خود رها نکرد و در آن موقعیت بسیار حسّاس، امر مهمّ جانشینی را مهمل

باقی نگذاشت بلکه در روز عید غدیر بر امامت و خلافت علی (علیه السلام) را به صراحت بیان کرد.

علاوه بر این، صحابه بزرگ از قبیل: ابوبکر، عمر، حسان بن ثابت و غیره که در این واقعه حاضر بوده و سخنان رسول خدا (علیهما السلام) را با گوشهای خود شنیده بودند. آنان مقصود پیامبر (علیهما السلام) را به خوبی فهمیده و درک کرده بودند که رهبری امت اسلامی و تصرف در امور سیاسی و اجتماعی مورد نظر پیامبر (علیهما السلام) بوده است، نه چیز دیگر؛ چنان که این مطلب را از سخنان و تصریحات قبلی پیامبر اکرم (علیهما السلام) فهمیده بودند و همین، ادعای قایلان به تأویل را باطل می کند.

ما در هر سال، حلول این عید مبارک را به تمام مسلمانان تبریک می گوئیم و از خدای متعال درخواست می کنیم که بر ما منت گذاشته و توفیق چنگ زدن به ریسمان الهی و جمع شدن در زیر پرچم لا اله الا الله، محمد رسول الله، را به ما عنایت فرماید.

امید که مسلمانان، متحد و یک پارچه باشند و در مقابل استعمارگران که به فساد و غارت جهان مشغولند، همانند سد آهنین باشند و درهای نصرت و پیروزی خداوند بر ما باز شود و صهیونیستهای غاصب از سرزمینهای مقدس اسلام اخراج شوند و قدس شریف آزاد گردد، همانا خداوند صاحب پیروزی و فتح است.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

